

# گرایش موضوعی کتاب در ده سال اخیر

از ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۲

دکتر عباس خُزّی

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

ضوابط محتوایی ویژه‌ای دارند که گرچه ممکن است عمق و گستره آنها متفاوت باشد، گرایش محتوایی این آثار در آنها مشترک است.

کتاب به عنوان نوعی اثر فرهنگی، بد یا خوب، ضعیف یا قوی، اصیل یا تکراری، تجلی عصر و دوره خویش است و هر یک از صفات بالا که به آن تعلق گیرد، چیزی جز جلوه‌ای از نگرش جامعه نسبت به کتاب نیست. هرگاه کتابها عمدتاً ضعیف و سخیف باشند، آن را تجلی سطحی‌نگری و آسان‌پسندی جامعه تلقی می‌کنیم و غلبه کتابهای

در بررسی‌های تاریخی معمولاً آثاری که از گذشته بر جای مانده است، ملاک تعیین نگرشها، باورها، گرایشها و کلاً حیات اجتماعی هر دوره و جامعه محسوب می‌شود. آثار فرهنگی در این گونه بررسیها شاخصی است که بر مبنای آن، قضاوتها و ارزش‌گذاریهای مورخان شکل می‌گیرد. در تاریخ کتاب و کتابت نیز این نگرش حاکم است. نقد تاریخی و جامعه‌شناسی کتاب، نقد ادبی و حوزه‌هایی از این دست نیز که محتوای ضرورت خاصی از آثار فرهنگی را مورد مطالعه قرار می‌دهند، معمولاً ملاکها و

دیگر همان کتاب چندین بار تجدید چاپ شده است یا از کتابهای پرفروش سخن به میان می‌آوریم یا اظهار می‌کنیم که فلان کتاب به چاپ دهم رسیده است. در همه این موارد، داورهای ما در باره جنبه مصرف و استفاده کتاب، اعم از آنکه به آن تصریح کرده یا نکرده باشیم، با استفاده از جنبه تولید آن صورت گرفته است، نه بر اساس نظرسنجی یا نظرخواهی از کتابخوانان. در واقع تعداد عناوین، تیراژ دفعات تجدید چاپ و مانند اینها ابزارهایی بوده‌اند که با استفاده از آنها در مورد گرایشها و علایق مردم و اهل کتاب قضاوت کرده‌ایم. بدین ترتیب، پذیرفته‌ایم که می‌توان با استفاده از وضعیت نشر و تولید کتاب، گرایشها و نگرشهای مردم یک جامعه را دست کم در چارچوب دو عامل تولید و مصرف کتاب سنجید.

دلیلی در دست نیست که نتوانیم در مورد جامعه خودمان نیز چنین کنیم. در ایران هم نظیر هر جامعه دیگر، جریان تولید کتاب و جریان استفاده و مصرف کتاب دوشادوش یکدیگر پیش می‌روند. تعداد عناوین، توزیع موضوعی آنها، و تیراژ کتابها همه و همه نشان دهنده نحوه برخورد کتابخوانان با کتاب است. اینک چه عوامل و ادارنده یا بازدارنده‌ای در این قوت و ضعفها دخیل هستند، خود مقوله دیگری است؛ اما حاصل قهری آنها، مواجهه جامعه کتابخوان با کتابهای تولید شده است.

در این بررسی، به عنوان نمونه، یک دوره

وزین و موقر را نشان و سواس، سخت‌گیری، و دشوارپسندی مردم جامعه می‌انگاریم. اگر هم کتابها به سمت موضوع خاصی سوق یافته باشند، توجه و علاقه مردم را دلیل این سویافتگی می‌دانیم. بنابراین، در این داورها، پیوسته میان تولید و مصرف رابطه‌ای برقرار می‌کنیم که از جنبه مصرف به وجه تولید نگریسته می‌شود. به تعبیر روشنتر، فرض ما این است که بازار مصرف، سیاست تولید را تعیین می‌کند. از لحاظ منطق اقتصادی، این سخن درست است؛ زیرا هیچ عقل سلیمی، تولید کالایی را که برای آن مصرفی پیش بینی نشده، تأیید نمی‌کند.

تولید کتاب عرصه مستقل و مجزایی است و اجزای مادی و معنوی آن نیز قابل تفکیک و تشخیص است؛ اما غایت تولید کتاب آن است که به مصرف برسد. مصرف کنندگان کتاب همان کسانی هستند که معمولاً با نام کتابخوانان یا جامعه کتابخوان از ایشان یاد می‌شود. اگر می‌پذیریم که در بررسیهای تاریخی مجازیم گرایش موضوعی غالب کتابهای بازمانده از یک دوره را دلیل توجه مردم یا جامعه فرهیخته و کتابخوان آن جامعه به آن موضوع یا موضوعات غالب بدانیم، قطعاً مجاز خواهیم بود در بررسیهای جامعه‌شناختی خود نیز چنین همبستگی و رابطه‌ای را صادق فرض کنیم؛ زیرا بررسی تاریخی خود نوعی بررسی جامعه‌شناختی گذشته است. بارها شنیده‌ایم که کتابی در دوره‌ای بسیار مهجور مانده و در دوره‌های



ده ساله نشر کتاب (از ۱۳۶۳ تا پایان سال ۱۳۷۲) با توجه به توزیع موضوعی آنها در هر سال از دو دیدگاه تعداد عناوین و تیراژ متوسط کتابها، با استفاده از اسناد و مدارک نهادهای رسمی کشور، استخراج گردیده و در دو جدول کلی آمده است. در این دو جدول، چون تولید کتاب به معنای عام مد نظر بوده، تکنیک چاپ اول و چاپهای بعدی یا تألیفی و ترجمه‌ای بودن صورت نگرفته؛ اما سه نکته رعایت شده است: ۱) قرآن کریم به دلیل چاپهای متعدد و تیراژ بسیار متفاوت آن در محاسبات منظور نشده است، ۲) چاپهای افست که کمتر می‌توان اطلاق تولید

به آنها کرد، حذف گردیده است، ۳) کتابهای ویژه کودکان و نوجوانان که تعداد عناوین و تیراژ متوسط آنها با فاصله‌ای چشمگیر با سایر کتابهای تولید شده قرار گرفته و تقسیم آنها نیز بر مبنای گروه سنی است، نه رده موضوعی، در جدولها نیامده است.

در جدولهای مورد اشاره، تقسیم‌بندی موضوعی بر اساس رده‌بندی کلی دیویی که در کتابنامه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به کار رفته صورت گرفته و میانگین تیراژ از تقسیم تیراژ هر رده بر تعداد عناوین همان رده حاصل آمده است.

جدول ۱. تعداد عناوین کتب منتشر شده در ده ساله ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۲

موضوع	سال	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰*	۷۱	۷۲	کل	رتبه نسبی
دین		۱۷۵۳	۱۲۹۴	۹۷۳	۱۱۲۲	۱۰۶۳	۱۳۵۱	۱۵۴۲	۶۸۹	۱۰۱۵	۱۱۵۴	۱۱۹۵۶	۱
ادبیات		۹۶۶	۸۳۲	۴۴۰	۴۹۷	۴۷۱	۱۲۹۳	۱۵۹۹	۱۰۲۱	۱۵۵۹	۱۳۶۷	۹۲۳۱	۲
علوم علمی		۶۳۰	۶۴۹	۴۳۸	۶۵۴	۵۳۰	۹۵۹	۹۲۱	۷۰۵	۹۷۵	۹۸۱	۷۴۴۲	۳
علوم اجتماعی		۵۶۱	۳۷۰	۲۴۱	۳۱۶	۲۹۲	۳۸۳	۶۱۷	۳۶۹	۶۷۵	۹۲۷	۴۹۵۱	۴
زبان		۲۱۶	۳۴۱	۱۹۴	۲۴۳	۳۰۰	۶۳۰	۱۲۱	۴۵۱	۱۲۹	۶۹۰	۴۳۰۵	۵
تاریخ و جغرافیا		۴۷۵	۳۲۱	۲۳۲	۳۰۱	۲۴۵	۴۱۲	۴۵۷	۳۰۷	۴۵۵	۴۱۵	۳۶۲۰	۶
هنر و سرگرمی		۱۵۴	۲۵۳	۱۶۷	۱۱۴	۱۴۷	۳۱۰	۳۷۷	۲۵۴	۴۱۶	۴۳۷	۲۶۷۸	۷
علوم محض		۱۴۸	۲۲۶	۱۴۷	۲۳۰	۲۲۶	۳۸۳	۳۷۸	۲۵۳	۳۱۹	۳۷۷	۲۷۸۶	۸
طبیعه و روانشناسی		۹۶	۱۳۰	۹۷	۱۱۴	۱۲۰	۲۸۰	۲۴۱	۲۱۷	۴۴۹	۲۹۸	۲۰۹۰	۹
کلیات		۳۴۱	۹۹	۶۴	۹۱	۷۴	۱۶۷	۱۸۹	۱۷۰	۳۳۷	۳۰۱	۱۸۳۲	۱۰
کل		۵۳۳۷	۴۵۱۵	۲۹۹۳	۳۷۷۲	۳۴۷۲	۶۲۶۸	۶۶۴۲	۴۵۳۵	۶۹۰۹	۷۰۴۷	۵۱۷۹۰	

\* بدون احتساب زمستان ۷۰.

مذهبی و سپس ادبی است. هرگاه تعداد عناوین را - خواه به دلیل نگرشهای متعدد نویسندگان، خواه مطرح بودن موضوعهای متفاوت - تجلی تنوع مطالب بدانیم، می توان با توجه به داده های جدول ۱ دریافت که این تنوع از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۲ سیری صعودی داشته است. البته افت و خیزهایی در خلال سالهای مختلف می توان یافت؛ اما در مجموع منحنی صعودی در کلیه حوزه ها مشهود است. در برخی حوزه ها این جریان به گونه ای یکنواخت و در برخی حوزه ها با نوسانهای بسیار وجود دارد. فقط در حوزه دین،

آن گونه که از جدول ۱ برمی آید در طول ده سال (۱۳۶۳ تا ۱۳۷۲) جمعاً کمتر از ۵۲ هزار عنوان کتاب منتشر شده است که این کتابها در ۹ رده اصلی موضوعی و یک رده کلیات، توزیعی گاه بسیار متفاوت دارند. از حوزه کلیات، با پایتترین تعداد عناوین که بگذریم، در حوزه های موضوعی، بیشترین نسبت متعلق به حوزه دین با ۱۱۹۵۶ عنوان و کمترین نسبت متعلق به حوزه فلسفه و روان شناسی با ۲۰۹۰ عنوان است.

داده های جدول ۱ نشان می دهد که گر چه در کلیه حوزه ها، کتابخوان داریم، اما وجه غالب در مرتبه نخست، با خوانندگان متون

جدول ۲ میانگین تیراژ کتاب در ده ساله ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۲

موضوع	سال	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰ <sup>۰</sup>	۷۱	۷۲	کل	رتبه نسبی
دین	۶۲۰۵	۶۱۹۵	۶۲۴۸	۶۵۰۰	۵۲۹۰	۵۹۰۵	۵۵۱۷	۷۰۷۰	۶۰۵۱	۶۳۴۸	۶۲۴۸	۱	
زبان	۵۳۰۶	۸۰۴۰	۶۱۵۲	۷۲۲۳	۵۱۱۴	۳۷۷۱	۵۵۵۹	۵۷۰۸	۵۲۹۸	۵۳۳۹	۵۱۱۲	۲	
تاریخ و جغرافیا	۶۹۷۶	۱۳۵۶	۶۰۰۰	۵۸۱۶	۵۳۳۲	۶۶۲۵	۳۸۳۸	۵۲۱۱	۵۵۴۵	۳۵۲۷	۵۵۳۸	۳	
هنر و سرگرمی	۶۱۱۴	۵۰۳۵	۳۸۲۲	۵۳۱۴	۶۱۷۶	۳۳۰۹	۳۹۲۲	۵۸۷۲	۶۳۸۱	۵۲۸۳	۵۱۴۸	۴	
ادبیات	۵۲۰۹	۵۵۷۵	۵۳۱۲	۳۷۳۵	۳۵۰۹	۲۸۴۱	۵۲۳۳	۳۷۳۸	۵۱۲۷	۳۵۳۵	۳۹۹۳	۵	
علوم اجتماعی	۶۲۴۶	۶۰۴۳	۵۱۲۷	۶۱۷۴	۶۱۲۷	۳۹۲۳	۴۲۲۰	۳۶۱۲	۵۱۵۱	۵۰۰۸	۳۶۱۸	۶	
علوم صلی	۳۱۶۴	۵۰۶۵	۴۲۹۸	۵۱۳۵	۳۳۵۸	۳۵۲۵	۴۲۰۶	۳۵۱۳	۳۱۲۲	۳۷۱۳	۳۵۷۵	۷	
علوم محض	۳۷۵۰	۶۱۳۶	۳۰۰۰	۳۵۸۵	۳۳۴۱	۳۵۷۱	۳۱۵۲	۳۷۵۳	۵۰۸۰	۳۱۳۷	۳۵۲۱	۸	
فلسفه و روانشناسی	۳۷۷۲	۳۹۰۷	۳۲۲۰	۳۱۲۱	۳۰۵۶	۳۳۸۲	۳۹۸۱	۳۱۷۶	۳۷۰۶	۳۱۹۲	۳۲۶۱	۹	
کلیات	۳۷۴۲	۳۵۰۰	۲۹۶۳	۳۲۸۷	۲۷۶۳	۳۱۰۲	۲۷۷۸	۳۵۳۲	۳۱۱۲	۳۰۳۸	۳۶۳۲	۱۰	
کل	۴۲۲۴	۵۵۱۵	۴۹۷۴	۵۱۰۰	۴۲۷۷	۴۷۱۶	۳۵۹۷	۵۰۲۳	۵۲۱۷	۴۹۲۸	۴۹۰۰		



اما گرایش کتابخوان در جدول ۲ به گونه دیگری است. رتبه نسبی رده‌های موضوعی بر حسب تیراژ کتابها به ترتیب به دین، زبان، تاریخ و جغرافیا و سپس سایر حوزه‌ها تعلق یافته و کمترین تیراژ در این جدول از آن رده فلسفه و روان‌شناسی بوده است.

مقایسه میان داده‌های جدول ۱ و ۲ نشان می‌دهد که همبستگی میان تعداد عناوین و تیراژ، متعلق به بالاترین و پایینترین رتبه نسبی یعنی دین، فلسفه، روان‌شناسی و همچنین علوم محض است؛ زیرا هر سه رده در دو جدول مقام یکسان دارند؛ اما در مورد سایر رده‌ها این همبستگی مشاهده نمی‌شود. به تعبیر دیگر، فزونی تعداد عناوین یک حوزه نمی‌تواند فزونی تیراژ را تضمین کند. چه بسا پایین بودن تیراژ متوسط حوزه‌هایی که دارای تعداد عناوین بیشتر بوده‌اند بدان معناست که آن عناوین با تیراژ پایین منتشر شده‌اند.

در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که در حوزه‌هایی که تعداد عناوین آنها زیاد است، تنوع مخاطبان و تنوع انتظارات سبب فزونی عناوین شده است و تعداد خوانندگان هر یک از آن حوزه‌ها به طور نسبی فراوان نیست و اقبال عامی سبب نشده است که تیراژ این دسته از کتابها افزایش یابد. بر عکس، در مواردی که تیراژ بالاست، اما تعداد عناوین رتبه نسبی بالایی ندارد، تعداد کتابخوانان علاقه‌مند به آن حوزه‌ها و هر یک از عناوین بالنسبه زیاد است. فقط حوزه دین

با وجود حفظ بالاترین رتبه نسبی از لحاظ تعداد عناوین، فراز و نشیب تعداد عناوین بیش از سایر حوزه‌ها به چشم می‌خورد.

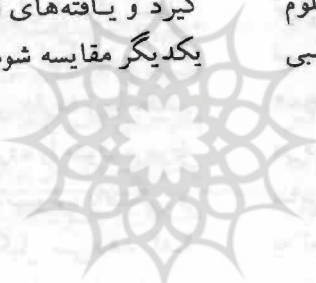
غلبه موضوعی دین و ادبیات، در عرصه تولید کتاب امر تازه‌ای نیست و پیوسته در جامعه‌ما حضور داشته است. شاید یکی از دلایل آن گرایش و ذهنیت مذهبی جامعه کتابخوان و ذوق ادبی مردم جامعه‌ما باشد. حوزه علوم عملی به عنوان احرازکننده سومین رتبه نسبی نیز حکایت از گرایش مردم به یک سلسله امور مهارتی دارد؛ زیرا بخش عمده‌ای از انتشارات این رده را متون مربوط به تعمیر وسایل، کار با کامپیوتر، بافندگی و گلدوزی و مانند آنها تشکیل می‌دهد. اما نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که اختلاف میان تعداد عناوین این سه رده (دین، ادبیات، و علوم عملی) با یکدیگر حدود دو هزار عنوان است و این رقم برای جامعه‌ای که متوسط تعداد عناوین کتابهای منتشر شده آن در سال، اندکی بیش از پنج هزار عنوان است، رقم چشمگیری به نظر می‌رسد.

جدول ۲ که میانگین تیراژ کتابهای منتشر شده در ده ساله مورد بررسی را نشان می‌دهد، حکایت از آن دارد که متوسط تیراژ کتاب طی ده سال، کمتر از پنج هزار نسخه بوده است. میانگین تیراژ کتابهای هر رده نیز در طول این دوره تحول چندانی نیافته است. به تعبیر دیگر، تعداد علاقه‌مندان به کتاب در مجموع در حد بالنسبه ثابتی باقی مانده است.

آنها) همگون است؛ لکن در سایر حوزه‌های موضوعی، اختلاف نگرش خوانندگان بسیار است.

آنچه در این مختصر مورد اشاره قرار گرفت، حاصل مقایسهٔ یک سلسهٔ کمیّات بوده و لازم است در آینده با عنایت بیشتر به موضوعات تفصیلی عناوین منتشر شده، از لحاظ کیفی نیز مطالعه‌ای در خور صورت گیرد و یافته‌های این دو نوع بررسی با یکدیگر مقایسه شود.

که بالاترین رتبه را در هر دو جدول احراز کرده است، دارای بالاترین تنوع انتظارات و نیز بالاترین تعداد خوانندگان است، و در حوزهٔ فلسفه و روان‌شناسی، پایتترین انتظارات و کمترین تعداد خوانندگان علاقه‌مند به آن حوزه را می‌توان برآورد کرد. مقایسه رتبهٔ نسبی دو جدول نشان می‌دهد که نگرش عمومی جامعه نسبت به چهار حوزهٔ کلیات، فلسفه و روان‌شناسی، دین، و علوم خالص (به دلیل همسان بودن رتبهٔ نسبی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی